

تحلیل سیستمی جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی ایران

طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵

دکتر محمد جواد محمودی^۱

دکتر محمود مشفق^۲

دکتر شهلا کاظمی پور^۳

چکیده:

در این مقاله تلاش شده است، با استفاده از رویکرد تحلیل سیستمی مهاجرت، جایگاه و نقش منطقه خراسان در نظام مهاجرتی کشور طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵ مورد بررسی قرار گیرد. مبنای نظری این مقاله اکولوژی انسانی و روش شناسی آن «تحلیل ساختار فضایی» مهاجرت بین منطقه‌ای است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح، الگو و روند مهاجرت در منطقه خراسان قبل و بعد از تقسیم به سه استان، چهره‌ای کاملاً متفاوت داشته است.

در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، خراسان رضوی با میزان خالص مهاجرت ۶ در هزار، دارای موازنه مهاجرتی مثبت بوده است، در حالی که استانهای خراسان شمالی و جنوبی به ترتیب با میزان خالص مهاجرت ۳۱- و ۱۶- در هزار دارای موازنه مهاجرت منفی بوده‌اند. طی دو دهه گذشته مبدأ اصلی مهاجران وارد شده به منطقه خراسان عمدتاً سیستان و بلوچستان، سمنان، مازندران و تهران بوده‌اند. همچنین استان خراسان رضوی جزء سه مکان اصلی بوده است که همواره مهاجران سایر نقاط کشور ترجیح داده‌اند به آنجا مهاجرت کنند. طی دو دهه گذشته خراسان رضوی بعد از سه استان تهران، خوزستان و اصفهان همواره یکی از مهم‌ترین مناطق پرتماس مهاجرتی کشور بوده است، در حالیکه استانهای خراسان شمالی و جنوبی دارای کمترین تماس مهاجرتی با سایر نقاط کشور بوده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که استان خراسان رضوی دارای پدیده بزرگ سری شهری یا همان نخست شهری است.

واژگان کلیدی:

تحلیل سیستمی، ترجیح مکانی، میزان خالص مهاجرت، میزان تماس مهاجرتی، بزرگ سری شهری.

۱. رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

۲. مدیر گروه مطالعات مهاجرت و شهرنشینی در مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

۳. معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین عوامل جمعیتی مؤثر بر تغییرات الگوی سکونت و بازتوزیع فضایی جمعیت، مهاجرت‌های داخلی است. بررسی الگوها و روندهای تغییرات جمعیتی در کشورهای پیشرفته‌تر که مراحل انتقال جمعیتی را سریع‌تر از کشورهای در حال توسعه پیموده‌اند، نشان می‌دهد که عموماً تغییرات سطح و روند مهاجرت‌های داخلی به موازات مراحل انتقال باروری و مرگ‌ومیر در برخی موارد با کمی تأخر یا تقدم نسبت به آنها رخ می‌دهد، و در عین حال در اکثر کشورهای دنیا بین تغییرات زمانی مؤلفه‌های حیاتی گذار جمعیتی یعنی باروری و مرگ‌ومیر و مؤلفه‌های مکانی انتقال جمعیتی یعنی مهاجرت و شهرنشینی نوعی تقارن و همزمانی مشاهده شده است. جمعیت‌شناسان به این تغییرات تحرکات مکانی و تحولات فضایی - مکانی جمعیتی به موازات انتقال حیاتی در سطوح ملی و بین‌المللی «گذار مهاجرتی و شهرنشینی» می‌گویند.

انتقال مهاجرتی که پیامد تفکیک‌ناپذیر آن انتقال شهرنشینی است، انعکاس فضایی و مکانی راهبردهای کلان توسعه و تحولات اقتصادی، اجتماعی است که جوامع در بستر نوسازی تجربه می‌کنند. می‌توان گفت تغییرات اساسی در الگوهای مهاجرت و شهرنشینی ایران از اوایل دهه اول ۱۳۰۰ با استقرار حکومت رضاخان آغاز شد، یعنی فصلی از تاریخ تحولات اقتصادی، اجتماعی ایران که آغاز استقرار نهادهای زیربنایی و روبنایی بورژوازی در ایران بود (حسامیان ۱۳۸۰). با گذشت زمان و با رشد و گسترش مؤلفه‌ها و عناصر نوسازی، تغییراتی عمیق و برگشت‌ناپذیر در الگوهای توزیع فضایی جمعیت ایران در سطح ملی و منطقه‌ای پدیدار شد، اما این تغییرات به سبب پیشی گرفتن بر سرعت و آهنگ توسعه از یک سو و عدم نظارت، کنترل و مدیریت آن در بسیاری موارد مسأله ساز شد، و خود تبدیل به علتی برای بسیاری از مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگر گردید.

شواهد آماری می‌تواند بخشی از این دگرگونی‌های عمیق جمعیتی - مکانی را که در اثر نوسازی و تحولات اقتصاد سیاسی فضای طی ۵۰ سال گذشته در کشور رخ داده است به صورت کمی روشن‌تر نماید. تعداد کل مهاجران طول‌عمر، یعنی کسانی که محل تولد آنها با محل اقامت‌شان متفاوت است، در سال ۱۳۴۵ برابر با ۳/۲۸۰ میلیون نفر بوده (زنجانی ۱۳۸۰)، که بعد از یک دوره چهل ساله یعنی در سال ۱۳۸۵ به ۲۲ میلیون نفر رسیده (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵)، یعنی ۶/۷ برابر شده

است، بعلاوه بر اساس آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۸۵ میزان شهرنشینی به ۶۸/۵ درصد رسیده که نزدیک به ۳۷ واحد افزایش را در طول ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

به همین ترتیب مهاجرت‌های بین‌استانی از ۳۲/۵ درصد کل مهاجرت‌های داخلی در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به ۳۹/۳ درصد کل مهاجرت‌های داخلی در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ افزایش یافته است.^۱ بسیاری از استان‌های کشور به عنوان مراکز جذب مهاجران و بسیاری دیگر از استان‌ها به‌عنوان مراکز دفع مهاجران عمل کرده‌اند و در عین حال برخی از استان‌های کشور عملکرد مهاجرتی‌شان طی ۳۰ سال گذشته تغییرات اساسی یافته است، بعلاوه برخی استان‌ها بعنوان مراکز ثقل تغییرات جمعیتی در کشور عمل کرده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد علل و عوامل مهاجرت در ۳۰ سال گذشته تغییراتی اساسی کرده باشد.

یکی از مناطق اثر گذار در نظام مهاجرتی ایران منطقه خراسان بوده است. البته باید در ابتدای امر اشاره داشت که در طرح کالبدی کشور، ایران به ده منطقه کالبدی تقسیم بندی شده است، که در این طرح، سه استان خراسان‌های رضوی، شمالی و جنوبی بعنوان منطقه ده کالبدی تعریف شده اند. طی سه دهه گذشته بسیاری از جریانات مهاجرتی در استانهای کشور متأثر از منطقه خراسان بوده است. خراسان از گذشته‌های دور یکی از مراکز پر اهمیت و بزرگ جمعیتی ایران زمین محسوب می‌شده است. در عین حال در شکل‌گیری و توسعه مراکز جمعیتی استان خراسان، مهاجرت‌های داخلی همواره بعنوان یک عامل تعیین کننده بوده است. در این مقاله تلاش خواهد شد با رویکرد جدیدی تحت عنوان تحلیل سیستمی مهاجرت، جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی کشور بررسی و تحلیل شود. این تحلیل می‌تواند در تبیین نقش خراسان در الگوی های سکونت در کشور نقش اساسی و تعیین کننده‌ای داشته باشد.

^۱ . بخشی از این افزایش ناشی از افزایش تعداد استان‌ها بوده است.

سؤالات اصلی

- الف) موازنه مهاجرتی در منطقه خراسان طی سه دهه گذشته چگونه بوده است؟
- ب) چرا خراسان رضوی مهاجرپذیر است، اما خراسان‌های شمالی و جنوبی مهاجرفرست هستند؟
- ج) مهاجران منطقه خراسان از کدام استان‌ها می‌آیند؟
- د) چقدر مهاجران سایر مناطق کشور ترجیح داده‌اند به منطقه خراسان مهاجرت کنند؟
- ه) منطقه خراسان از نظر تبادل و تعامل مهاجرتی با سایر نقاط کشور در چه وضعیتی قرار دارد؟
- و) مهاجران خارج شده از منطقه خراسان به کجا می‌روند؟
- ز) کدام شهرستان‌های منطقه خراسان مهاجران بیشتری را جذب می‌کنند؟

مبانی مفهومی و تجربی

ساختار مهاجرت‌های داخلی، مفهومی است که در دوره معاصر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، برخی از صاحب نظران جمعیت‌شناسی معتقدند همان‌طور که ساختار سنی و سایر پدیده‌های جمعیت‌شناسی دارای قانونمندی‌هایی است، تغییر و ثبات جریان‌های مهاجرتی بین مبدأ و مقصد، دارای نظم و قانونمندی خاصی است. از سوی دیگر این جریانات نمایانگر تصمیمات مهاجرتی تجمع‌یافته بسیاری از افراد و خانوارها است، درک این ساختارها می‌تواند در شناسایی الگوهای جدید بازتوزیع جمعیت مؤثر باشد (ویلسون^۱ ۱۹۸۷).

رویکرد نظری این مقاله رویکرد اکولوژیک است. نظریه اکولوژی انسانی به عواملی چون تسلط مکانی، سلسله‌مراتب مکانی و تفاوت‌های کارکردی مناطق مهم جمعیتی در ارتباط با تحلیل سازوکارهای مهاجرتی در سطح ملی و منطقه‌ای می‌پردازد. در این نظریه بر دو جنبه اساسی از شبکه‌های ارتباطی و مهاجرتی بین مناطق تأکید می‌شود که عبارتند از: الف) فراوانی ارتباطات یک منطقه جغرافیایی با سیستم بزرگ‌تر سیاسی، اقتصادی از نظر تولید کالا، خدمات و تعداد جمعیت. ب) شعاع و دامنه ارتباطات و تعاملات مادی و انسانی سیستم‌های بزرگ‌تر با سیستم‌های کوچکتر (ایروین^۲ و هاکس^۱).

1. Wilson

2. Irwin

بر اساس نظریه بیدول^۲ و کاساردا^۳ (۱۹۸۵) فراوانی ارتباطات انسانی نتیجه میزان پیچیدگی ساختاری منطقه، تنوع کارکردی و میزان وجود منابع و اطلاعات مختلف در یک منطقه است. مناطقی که ارتباطات بیشتری با جاهای دیگری دارند استعداد بیشتری برای توسعه و رشد ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارند. و به نظر هاوولی^۴ (۱۹۸۱) وابستگی‌های داخلی یک سیستم زمانی در یک شبکه اجتماعی، جمعیتی گسترش بیشتری می‌یابد که مزایا و خصوصیات محلی و منطقه‌ای، خود باعث ارتباطات فوق‌العاده هدفمند یا غیر هدفمند یک منطقه باشند. زیرا تعاملات منطقه‌ای بسته به کارکردشان دسته‌بندی می‌شوند و بر اساس سلسله مراتب به دو گروه منطقه‌ای و یا ملی دسته‌بندی می‌شوند. با این اوصاف اهمیت فراوانی تعاملات و ارتباطات مهاجرتی خود نشان‌دهنده شاخص و درجه تمرکز منابع و جمعیت است و میزان نزدیکی و درجه مرکز محوری خود معیاری برای دسترسی بیشتر و ارتباط بیشتر است. زیرا عوامل تولید به یکدیگر وابسته هستند، و هر عاملی خود مکمل منابع دیگر است و خود به عنوان یک ابزار کنترل، عوامل بعدی را تقویت می‌نماید. این مسئله باعث خلق یک الگوی مسلط و ایجاد حالت استقلال در انجام فعالیت‌ها می‌شود. عوامل کلیدی کارکردی، پیوند و تعامل بیشتر و فزاینده یک منطقه با مناطق دیگر را فراهم می‌کنند و باعث می‌شوند که سیل مواد، امکانات و اطلاعات از مناطق دیگر برای انجام کارکردی ویژه به سمت منطقه مورد نظر جاری شوند. هرچه میزان نیاز کارکردی سایر مناطق بیشتر شود به همان نسبت آن منطقه حالت مسلط‌تر و محوری‌تری پیدا می‌کند. مناطقی که محل ارسال امکانات و منابع به دیگر مناطق می‌شوند دارای مرکزیت بیشتری هستند و تقویت متقابل عوامل کارکردی و تاثیرگذار این مناطق که پس از مدتی تبدیل به مراکز ثقل اقتصادی، جمعیتی در سطح ملی می‌شوند را از نظر جمعیتی و منابع و امکانات به طور روز افزون فربه‌تر خواهد کرد. این مراکز بعنوان مراکز جاذب جمعیت در سطح ملی هستند و این مناطق در نظام مهاجرتی نقشی محوری در جهت‌دهی و تعیین مسیرهای مهاجرتی ایفا خواهند کرد (ایروین و هاکس ۱۹۹۲).

1. Hughes
2. Bidwell
3. Kasarda
4. Hawley

روش شناسی

در این مقاله از رویکرد روشی «ساختار فضایی مهاجرت^۱» استفاده شده است. این رویکرد روشی را راجرز و همکارانش در سال ۲۰۰۱ تدوین کرده‌اند. منظور آنها از ساختار فضایی مهاجرت بین‌استانی توصیف و تحلیل ویژه‌ای از ابعاد اساسی مهاجرت‌های بین‌استانی در سطح ملی است که از طریق آن بتوان:

(۱) ماتریس‌های مهاجرتی بین‌استانی را بازسازی و تحلیل چندگانه کرد.

(۲) میزان و توان‌نسبی «قابلیت دفع جمعیتی^۲» و «قابلیت جذب جمعیتی^۳» را برحسب مناطق و استانهای مختلف در سطح ملی و منطقه‌ای مشخص کرد.

(۳) سطوح و میزان تعاملات فضایی- جمعیتی بین مبدأ و مقصد در نظام مهاجرتی را مشخص کرد (راجرز و دیگران ۲۰۰۱: ۲۹).

در این مطالعه از ماتریس‌های مهاجرتی سه دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵، ۱۳۷۵-۱۳۶۵ و ۱۳۸۵-۱۳۷۵ استفاده شده است.

یافته ها

الف) موازنه مهاجرتی در منطقه خراسان طی سه دهه گذشته چگونه بوده است؟

در جدول شماره (۱) میزان ناخالص شدت مهاجرت در منطقه خراسان گزارش شده است. همچنانکه ملاحظه می‌شود در دهه اول (۱۳۶۵-۱۳۵۵) استان خراسان بزرگ به ازاء هر هزار نفر ۳ نفر مهاجرت خالص داشته است. اما در دهه دوم (۱۳۷۵-۱۳۶۵) موازنه مهاجرتی استان خراسان منفی شده است، که البته می‌تواند متأثر از عدم توسعه یافتگی استانهای خراسان شمالی و جنوبی باشد. در دهه سوم خراسان بزرگ به سه استان شمالی، جنوبی و رضوی تقسیم شد، تفاوت‌های درون منطقه‌ای در سطوح توسعه و جریانات مهاجرتی به نحو بهتری خود را نشان داده است. ملاحظه می‌شود که استان خراسان رضوی به دلیل توسعه یافتگی بیشتر دارای موازنه مهاجرتی مثبت بوده، استان خراسان شمالی با ۳۱- در هزار و خراسان جنوبی با ۱۶- در هزار دارای موازنه منفی مهاجرتی

1. Migration's Spatial structure

2. Emissiveness

3. Attractiveness

بوده‌اند. همچنانکه شدت و حدت مهاجرت فرستی در خراسان شمالی بیشتر از سایر استانهای منطقه بوده است.

جدول (۱). میزان ناخالص مهاجرت در منطقه خراسان طی سه دهه ۱۳۸۵-۱۳۵۵

ردیف	نام استان	میزان ناخالص شدت مهاجرت بین‌استانی (در هر هزار نفر)		
		۱۳۶۵ - ۱۳۵۵	۱۳۷۵ - ۱۳۶۵	۱۳۸۵ - ۱۳۷۵
۱	خراسان	۳	-۱	---
۲	خراسان جنوبی	---	---	-۱۶
۳	خراسان رضوی	---	---	۶
۴	خراسان شمالی	---	---	-۳۱

ب) چرا خراسان رضوی مهاجرپذیر است، اما خراسان شمالی و جنوبی مهاجرفرست؟

در سال ۱۳۸۵، خراسان رضوی بین کلیه استانهای کشور بعد از استان کلان شهری تهران در رتبه دوم درجه توسعه یافتگی قرار گرفته است، اما خراسانهای شمالی و جنوبی از نظر رتبه توسعه یافتگی در رتبه های ۲۷ و ۲۸ کشور و قبل از استانهای ایلام و چهارمحال و بختیاری قرار گرفته‌اند. همچنانکه ملاحظه می‌شود بین درجه توسعه یافتگی استانها^۱ و مهاجران طول عمر همبستگی قوی وجود دارد. به عبارت روشن‌تر هر چه سطح توسعه یافتگی بیشتر، میزان مهاجرپذیری بیشتر و بر عکس (جدول ۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دلیل مهاجرپذیری استان خراسان رضوی توسعه یافتگی بالا و دلیل اصلی مهاجرت فرستی خراسانهای جنوبی و شمالی توسعه یافتگی پایین است.

۱. شاخص توسعه: شاخصی ترکیبی است که از متغیرهای میزان شهرنشینی، سطح سواد، میزان اشتغال، امکانات رفاهی خانوارها (آب، برق، گاز، تلفن)، کارگاه‌های صنعتی، سهم اشتغال از محصول ناخالص داخلی ساخته شده است (وارثی، حمیدرضا، سروری زهتاب. ۱۳۸۵).

جدول (۲). طبقه‌بندی استان‌ها بر حسب تعداد و درصد مهاجران طول عمر و

نمره شاخص توسعه در سال ۱۳۸۵

رتبه ها	نام استان	تعداد	درصد	نمره سطح توسعه
۱	تهران	۶۲۳۴۴۳۴	۲۹,۶	۲۳,۲۱
۲	خراسان رضوی	۱۴۷۵۱۲۲	۷,۰	۵,۷
۲۷	خراسان شمالی	۱۹۵۰۰۰	۰,۹	-۴,۵
۲۸	خراسان جنوبی	۱۹۱۱۸۳	۰,۹	-۳,۶

ضریب همبستگی بین نمره توسعه و مهاجرت طول عمر $r=0/76$ Sig=0/00

ج) مهاجران منطقه خراسان از کدام استانها می آیند؟

همچنانکه ملاحظه می‌شود، در دهه ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵ استان سیستان و بلوچستان (۳۶ درصد کل مهاجران وارد شده به استان) به عنوان مبدأ اصلی مهاجران منطقه خراسان محسوب می‌شود. باز هم در دهه ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ یکی از مبادی اصلی مهاجرت به استان خراسان رضوی، استان سیستان و بلوچستان بوده است. یکی از فرضیاتی که در این زمینه می‌تواند به عنوان یک مسئله اساسی پیگیری شود، این است که مهاجران سیستانی که وارد خراسان می‌شوند، در اصل مهاجرین افغانی هستند، و استان سیستان و بلوچستان بعنوان یک گذرگاه و پل ارتباطی در این حرکت مهاجرت خارجی به داخل کشور و مهاجرت به منطقه خراسان عمل کرده است. البته یک جریان معکوس مهاجرتی از خراسان رضوی به دو استان خراسان شمالی و جنوبی وجود داشته است. می‌توان گفت تنها مبادی مهاجرتی به دو استان فوق الذکر استان خراسان رضوی بوده است.

جدول (۳). بررسی مبدأ مهاجران استان‌های خراسان ۱۳۸۵-۱۳۶۵

مبادی مهاجرتی از	دوره زمانی
سیستان و بلوچستان (۳۶)، سمنان (۱۵)، مازندران (۱۴)، تهران (۱۰) گیلان (۴)، آذربایجان غربی (۵)، خوزستان (۵)، اصفهان (۴)، سایر استانهای کشور (۷)	۱۳۶۵-۱۳۷۵ به خراسان بزرگ
خراسان شمالی (۴۴)، خراسان جنوبی (۵۰)، سیستان و بلوچستان (۲۹)، گلستان (۱۳)، کرمان (۱۱)	۱۳۷۵-۱۳۸۵ خراسان رضوی
خراسان رضوی (۱۰)	خراسان شمالی
خراسان رضوی (۱۰)	خراسان جنوبی

در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ با توجه به سطح توسعه یافتگی خیلی بالای استان خراسان رضوی نسبت به استانهای خراسان شمالی و جنوبی، به عنوان مرکز جذب مهاجرین این دو استان کمتر توسعه یافته عمل کرده است.

د) چقدر مهاجران ترجیح داده اند به منطقه خراسان مهاجرت کنند؟

در جدول شماره (۴) شاخصی به عنوان ترجیح مهاجرتی^۱ محاسبه شده است. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ خراسان بزرگ بعد از استانهای تهران و فارس در رتبه سوم ترجیح مهاجرتی قرار گرفته است. در

۱. اگر ترجیحات و تمایلات مهاجرتی همسان باشد، تعداد مهاجران خارج شده از منطقه i برابر $m(p_i.p)$ خواهد بود، و متقابلاً تعداد مهاجران وارد شده به منطقه j برابر $m(p_j.p)$ خواهد بود که در آن m برابر با کل مهاجران است. تعداد مهاجران مورد انتظار از منطقه i به منطقه j برابر خواهد بود با $m^*(p_i.p * p_j.p)$ که نشان‌دهنده شاخص ترجیح مهاجرتی است. چندین شاخص دیگر ترجیح توسط هنری^۱ و شرایاک^۱ در مطالعه‌ای تحت عنوان تحرکات جمعیتی در ایالات متحد (۱۹۷۴) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Manual VI: ۱۹۷۰: ۴۰).

$$IP = \sum \frac{m_{ij}}{M \left(\frac{p_i}{P} \cdot \frac{p_j}{P} \right)} \cdot K$$

دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ خراسان به رتبه دوم از نظر ترجیح مهاجرتی ارتقاء یافته است. بعد از تقسیم خراسان بزرگ در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ خراسان رضوی همچنان در رتبه دوم ترجیح مهاجرتی باقی مانده است. اما استانهای خراسان شمالی و جنوبی به رتبه بسیار پایین ترجیح مهاجرتی تنزل یافته‌اند.

جدول (۴). بررسی تحولات ترجیح مکانی منطقه خراسان طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵

۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۶۵-۱۳۷۵		۱۳۵۵-۱۳۶۵		سال
I.P	استان	I.P	استان	I.P	استان	ردیف
۰,۴۱۱	تهران	۲,۰۵۵	تهران	۲۱,۸۳	تهران	۱
۰,۱۸۳	خراسان رضوی (رتبه دوم)	۰,۴۹۱	خراسان (رتبه دوم)	۵,۶۷	فارس	۲
۰,۱۵	خوزستان	۰,۳۴۴	اصفهان	۴,۴۸	خراسان (رتبه سوم)	۳
۰,۰۶۵	اصفهان	۰,۲۹۱	خوزستان	۳,۷۰	اصفهان	۴
۰,۰۶۲	آذربایجان شرقی	۰,۱۸۰	آذربایجان شرقی	۱,۵۹	مازندران	۵
۰,۰۱۵	خراسان شمالی (رتبه ۲۷)	۰,۰۱۷	زنجان	۰,۱۱	سمنان	۶
۰,۰۰۹	خراسان جنوبی (رتبه ۲۸)	۰,۰۱۲	پوشهر	۰,۰۴	کهگیلویه و بویر احمد	۷

باتوجه به تمرکز جمعیت در استان خراسان رضوی و بویژه شهر مشهد شواهد نشان می‌دهد که استان خراسان رضوی دچار عارضه نخست شهری است. منظور از عارضه نخست شهری آن است که یک یا چند شهر خاص از لحاظ اندازه، رشد و درجه تأثیرگذاری بر بقیه شهرها تسلط داشته و این شهرها در واقع به عنوان پمپ‌های مکنده و انباشت‌کننده سرمایه انسانی و سرمایه مادی و فیزیکی در نقاط خاص به شمار می‌آیند.

ه) منطقه خراسان از نظر تبادل و تعامل مهاجرتی با سایر نقاط کشور در چه رتبه ای قرار دارد؟

یکی از سوالات مهم در بحث مهاجرت میزان تعامل و پیوند انسانی یک منطقه با سایر مناطق است. اساساً مناطق پر تماس مناطقی هستند که کارکردهای اقتصادی، فرهنگی و مذهبی آنها بیشتر از سایر مناطق است. سه استان توسعه یافته تهران، اصفهان و خوزستان پر تماس ترین مناطق مهاجرتی در سطح کشور بوده‌اند. در زمینه تحلیل کمی مهاجرت در جمعیت شناسی شاخصی وجود دارد که به

آن میزان پیوستگی مهاجرتی می گویند. این شاخص بین صفر و یک در نوسان است و هر چه به یک نزدیک تر باشد آن منطقه دارای پیوستگی مهاجرتی بیشتری است^۱. استان خراسان بعد از سه استان فوق الذکر بلافاصله در رتبه بعدی قرار گرفته است. اما با توجه به تفاوت در سطوح توسعه سه استان منطقه خراسان بعد از تفکیک، رتبه خراسان رضوی از نظر تماس مهاجرتی ارتقاء یافته است. اما رتبه های استان های خراسان جنوبی و شمالی به شدت کاهش یافته است (جدول ۵)

جدول (۵). مقایسه میزان تماس مهاجرتی منطقه خراسان با سایر استانها

طی دهه ۱۳۸۵-۱۳۵۵

ردیف	نام استان	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵
۱	تهران	۰/۷۵	۰/۹۲	۰/۸۶
۲	خوزستان	۰/۵۳	۰/۷۸	۰/۶۷
۳	اصفهان	۰/۴۹	۰/۷۱	۰/۷۰
۴	خراسان	۰/۲۸	۰/۵۶	-----
۵	خراسان رضوی	-----	-----	۰/۶۲
۶	خراسان جنوبی	-----	-----	۰/۰۸
۷	خراسان شمالی	-----	-----	۰/۰۷

نقشه شماره (۱) میزان تماس مهاجرتی استانهای کشور را در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می دهد. همچنانکه ملاحظه می شود، خراسان رضوی جزء مناطق پر تماس مهاجرتی بوده است، اما استان های خراسان جنوبی و شمالی جزء استان های کم تماس از نظر مهاجرتی در کشور بوده اند.

۱ . شاخص پیوستگی (اتصال) نشان دهنده جریانات غیر صفر در یک ماتریس مهاجرتی است و از نسبت تعداد کل جریانات بالقوه بین منطقه ای که غیر صفر هستند به دست می آید، این شاخص با استفاده از این فرمول محاسبه می شود:

$$IMC = \sum_{i \neq j} \sum_{j=1}^n MC_{ij} / n(n-1)$$

اگر مهاجرت از منطقه i به j صفر باشد. $MC_{ij} = 1$ بر عکس. شاخص پیوستگی مهاجرتی بین صفر تا یک در نوسان است، که مقدار صفر بیانگر عدم ارتباط مهاجرتی بین مناطق و مقدار یک نشان دهنده جریان مهاجرتی زیاد بین مناطق است.

همچنین ۳۸ درصد از مهاجران خراسان جنوبی به پایتخت، ۲۵ درصد به استان های همسایه، و نزدیک ۳۰ درصد به سایر کلان شهرها و ۷ درصد به سایر نقاط کشور مهاجرت کرده‌اند. در مورد خراسان شمالی نیز می توان گفت که ۲۸ درصد از مهاجران خراسان شمالی به پایتخت، ۱۹ درصد به استان های همسایه ، و نزدیک ۴۵ درصد به سایر کلان شهرها و ۷ درصد به سایر نقاط کشور مهاجرت کرده‌اند.

جدول (۶). ساختار فاصله‌ای مهاجرت در منطقه خراسان در دهه‌های (۱۳۸۵-۱۳۵۵)

جمع	مهاجرت در فاصله های بلند	استان های کلان شهری	فاصله های کوتاه	پایتخت	استان	
					خراسان بزرگ	خراسان شمالی
۱۰۰	۱۰/۱	۸/۹	۲۹/۸	۵۱/۱	خراسان بزرگ	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۱۰۰	۱۶/۶	۱۳/۵	۳۰/۷	۳۹/۲	خراسان بزرگ	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۱۰۰	۲۵/۶	۷/۱	۳۰/۰	۳۷/۳	خراسان رضوی	۱۳۷۵-۱۳۸۵
۱۰۰	۸	۴۵/۱	۱۸/۹	۲۸	خراسان شمالی	
۱۰۰	۷	۳۰	۲۴/۹	۳۸	خراسان جنوبی	

ز) کدام شهرستان‌های منطقه خراسان، مهاجران بیشتری را جذب می کنند؟

در جدول شماره (۷) شهرستانهای استان خراسان رضوی بر اساس درصد مهاجران وارد شده از کل دسته بندی شده اند. همچنانکه ملاحظه می شود شهرستان مشهد نزدیک به ۶۱ درصد کل مهاجران وارد شده به استان را جذب کرده است. بعد از شهرستان مشهد دو شهرستان نیشابور و سبزوار با اختلاف بسیار بالا در رتبه های بعدی قرار گرفته اند.

جدول شماره (۷) رتبه بندی شهرستانهای استان خراسان رضوی از نظر مهاجریذیری در سال ۱۳۸۵

نام شهرستان	تعداد مهاجران وارد شده	درصد مهاجران وارد شده
مشهد	۳۸۴۵۰۱	۶۰٫۹
نیشابور	۴۰۵۹۵	۶٫۴
سبزوار	۳۷۷۸۰	۶٫۰
قوچان	۲۰۳۸۵	۳٫۲
ترت جام	۱۹۵۱۲	۳٫۱
ترت حیدریه	۱۹۲۳۹	۳٫۰
کاشمر	۱۶۷۱۱	۲٫۶
چناران	۱۶۰۱۴	۲٫۵
گناباد	۱۲۱۶۸	۱٫۹
تایباد	۱۰۰۵۴	۱٫۶
فریمان	۹۴۰۱	۱٫۵
خواف	۸۶۳۵	۱٫۴
درگز	۷۵۳۸	۱٫۲
بردسکن	۷۵۰۳	۱٫۲
سرخس	۶۹۷۷	۱٫۱
مه ولات	۳۹۴۷	۰٫۶
رشتخوار	۳۸۴۲	۰٫۶
کلات	۳۸۱۹	۰٫۶
خلیل آباد	۳۲۰۸	۰٫۵
جمع	۶۳۱۸۲۹	۱۰۰٫۰

در جدول (۸) شهرستان‌های استانهای خراسان جنوبی و شمالی بر اساس درصد مهاجران وارد شده از کل دسته بندی شده‌اند. همچنانکه ملاحظه می‌شود در استان خراسان جنوبی شهرستان بیرجند بیشترین مهاجران وارد شده به استان را جذب کرده است. در رتبه های بعدی شهرستانهای قائنات و نهبندان قرار گرفته اند.

در استان خراسان شمالی، شهرستان بجنورد بیشترین مهاجران وارد شده به استان را جذب کرده است. در رتبه های بعدی شهرستانهای اسفراین و شیروان قرار گرفته اند. همچنانکه ملاحظه می‌شود جذب مهاجران در مناطق در دو استان خراسان شمالی و جنوبی کمی یکنواخت تر است. شاید بدلیل آن باشد این شهرستانهای درون این استانها از نظر جاذبه مهاجرتی آنچنان ترجیحی نسبت به یکدیگر ندارند.

جدول شماره (۸) رتبه بندی شهرستانهای استان خراسان شمالی و جنوبی از نظر مهاجرت پذیری

نام شهرستان	تعداد مهاجران وارد شده	درصد مهاجران وارد شده	
خراسان جنوبی	بیرجند	۳۹۹۹۵	۵۵,۰
	قائنات	۷۶۳۰	۱۰,۵
	نهبندان	۶۹۳۸	۹,۵
	فردوس	۶۵۴۸	۹,۰
	درمیان	۴۴۲۴	۶,۱
	سربیشه	۴۲۷۱	۵,۹
	سرایان	۲۸۹۳	۴,۰
	بجنورد	۲۵۴۰۸	۳۶,۹
خراسان شمالی	شیروان	۱۱۷۳۹	۱۷,۰
	اسفراین	۱۰۴۱۴	۱۵,۱
	مانه و سملقان	۸۹۱۳	۱۲,۹
	جاجرم	۸۳۲۶	۱۲,۱
	فاروج	۴۰۵۶	۵,۹

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شده است با رویکرد جدیدی جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی کشور بررسی و تحلیل شود. این تحلیل توانسته است نقش منطقه خراسان را در الگوی‌های مهاجرتی کشور تبیین نماید. همچنانکه ملاحظه شد مکانیزم‌ها و سازوکارهای مهاجرت در منطقه خراسان قبل و بعد از تقسیم کاملاً متفاوت است. این مطالعه نشان می‌دهد که خراسان بزرگ کالبدی بوده است که تا حدودی زیادی تفاوت‌های توسعه‌ای و مهاجرتی را پنهان نموده است. اما بعد از تفکیک می‌بینیم، نابرابری‌ها در سطوح توسعه به خوبی خود را نشان داده است.

خراسان رضوی بعنوان یک استان توسعه یافته نقش مهمی در جذب مهاجران مناطق اطراف خود از جمله خراسان‌های شمالی و جنوبی ایفا کرده است، بر عکس خراسان شمالی و جنوبی به دلیل توسعه نیافتگی نه تنها ارتباط مهاجرتی و انسانی با سایر مناطق نداشته است، بلکه سرمایه‌های انسانی خود را به نفع مناطق دیگر از دست داده است.

این مطالعه نشان داد، که یکی از مبادی اصلی مهاجران به استان خراسان رضوی، استان سیستان و بلوچستان است. با توجه به موج مهاجرتی که از کشور افغانستان به طرف ایران وجود دارد، به نظر میرسد این استان بعنوان گلوگاه انتقالی مهاجران از افغانستان به خراسان عمل می‌کند و در واقع مهاجرانی که از سیستان و بلوچستان وارد خراسان می‌شوند در اصل مهاجرین افغانی هستند.

این مطالعه نشان می‌دهد که منطقه خراسان دارای عارضه نخست شهری است. شهر مشهد با توجه به کارکردهای مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بعنوان یک پمپ مکنده عمل کرده است، که نیروی انسانی کارآمد و متخصص را در خود جذب نموده است. در بین شهرستان‌های مختلف منطقه خراسان، به ترتیب شهرستانهای مشهد، بیرجند و بجنورد بیشترین مهاجران وارد شده به استان را جذب کرده‌اند.

منابع:

- آسایش، حسین (۱۳۸۳). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- پاپلی‌یزدی، حسین و سناجردی، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های شهر و پیرامون، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت‌های داخلی در کشور های در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی، پروین
- زاهد، سعید (۱۳۸۳). نگاهی کلان به مهاجرت و توزیع جمعیت در ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، تهران. صص ۱۹۸-۱۶۸.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). مهاجرت‌های بین‌استانی ۱۳۷۵-۱۳۶۵، بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سازمان برنامه و بودجه استان تهران، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۸). گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۹). گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، گزارش نتایج آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار از ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، گزارش نتایج آمارگیری از هزینه درآمد خانوارها از ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- مشفق، محمود (۱۳۸۵). تحلیل ثانویه مهاجرت‌های داخلی در ایران، گزارش فنی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.
- وارثی، حمیدرضا، سروری زهتاب (۱۳۸۵). تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ششم، صص ۱۹۵-۱۸۰.

- Bell, M., M. Blake, P. Boyle, O. Duke -Williams, P. Rees, J. Stillwell, and G. Hugo (2002). *Cross-National Comparison of Internal Migration: Issues and Measures*. Journal of the Royal Statistical Society, 165 (3): 435 -464.
- No. 45, Queensland Centre for Population Research, the University of Queensland.
- Cadwallader, M. (1992). *Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches*. Madison, University of Wisconsin Press.
- Caponi, V. (2006). *Heterogeneous Human capital and Migration. Who Migrates from Mexico to the US?* Discussion Paper No.226, Ryerson University.
- Irwin, M. and H. Hughes (1992). *Centrality and the Structure of Urban Interaction: Measures, Concepts*, Social Forces, 71(3):17-51.
- Sigel, J.S. and D.A. Swanson (2004). *The Methods and Materials of Demography*, Volume, Second Edition, Elsevier, Academic Press, London, United State of America.
- Tomita, S. Hayashi, Y. (2006). *Spatial Analysis of Centralization and Decentralization in the Population Migration Network*. Proceeding of the Asia Pacific Symposium on Information Visualisation. 60:139 – 142.
- United Nations (1970). *Manuals on Methods of Estimating Population, Manual VI Methods of Measuring Internal Migration*, Population Studies. New York: Department of Economic and Social Affairs, United Nations.